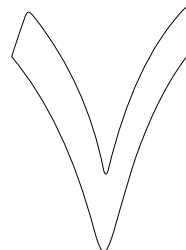


قواعد حاکم بر بهره‌برداری از منابع آبی در مخاصمات مسلحانه



ابراهیم رحمانی *
سیدداود آقایی **
سیامک مؤذنی ***

چکیده

اثرگذاری انسان بر محیط پیرامونی خود به حدی رسیده که ماهیت و اهمیت جهانی یافته و بقای نسل انسان و سلامت او به وجود محیط‌زیست سالم و پاک منوط شده است. مأموریت بنیادین سازمان ملل، حفظ نسل‌های آینده از مخاصمه و هدف اصلی یونسکو نیز یاری‌رسانی به‌منظور حفظ صلح و امنیت به‌واسطه توسعه همکاری میان ملل و با مدد از آموزش و پژوهش علم و فرهنگ عنوان شده است. طی سده اخیر، مخاصمات فراگیر و متعدد بین‌المللی و غیربین‌المللی، حیاتی‌ترین عنصر خارجی برای دوام حیات نوع بشر در معرض تجاوزات بی‌شمار را هدف قرار داده و بشریت را مشغول خود کرده است. از نخستین روزهای شکل‌گیری تمدن انسانی، مدیریت آب چالش اصلی بشر بوده و آب به‌عنوان نخستین منبع حیاتی، جوامع انسانی و اقتصاد را دچار محدودیت کرده است. در قرن ۲۱ نحوه مدیریت و حفاظت از منابع آب (رودخانه‌ها، تأسیسات و آب‌های زیرزمینی) به‌هنگام بروز مخاصمات، همت همگانی را می‌طلبد تا جایی که مجمع عمومی در جولای ۲۰۱۰، حقی نوین به میثاق حقوق بشر با عنوان «حقوق همگانی دسترسی به آب سالم» اضافه نمود و دهه ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ را دهه آب و شعار «آب گنج هزاره سوم» اعلام کرده است. هدف از این مقاله، بررسی این موضوع است که آیا حقوق بشردوستانه حاوی اصول و قواعدی هست که ناظر بر نحوه حمایت و حفاظت از آب در همه انواع آن از قبیل رودخانه‌ها، تأسیسات آبی، منابع زیرزمین و غیر است و چگونگی مواجهه نیروهای نظامی با این ماده حیات‌بخش است؟

واژگان کلیدی: بهره‌برداری از منابع آب، مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹)، پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷)

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) (Email: er_4741@yahoo.com)
** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. (Email: sdaghaee@ut.ac.ir)
*** دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. (Email: smo_3030@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۰

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۹-۱۵۱

جستار گشایی

بروز و شیوع مواردی از ناامنی در کشورها از پیامدهای امنیتی شدن فضای نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد است. مخاصمات تغییر ماهیت داده و تجاوزات بیش از آنکه مرزها و قلمرو سرزمینی را متأثر سازد، بشر را هدف منازعات خویش قرار دادند؛ لذا به تدریج مفهوم امنیت انسانی جایگزین امنیت ملی شد و برنامه و فعالیت سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی و غیردولتی متوجه پاسخگویی به نیازهای انسان شد و هم‌اینک به گفتمان حاکم بر مناسبات روابط بین‌الملل و با هدف مقابله و ممانعت از نقض مستمر و نظام‌مند حقوق بشر در انواع مختلف آن مبدل شده است. دهه ۹۰ میلادی میدان چالش میان دو واژه سیاسی مداخله و حاکمیت بود، به نحوی که مداخله بشردوستانه در صورت وقوع یا عدم وقوع عملیات، مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت. در این میان، عده‌ای باور داشتند که جامعه بین‌المللی به اندازه کافی در این نیز مداخله نمی‌کند و در مقابل، برخی بر تزامم مداخلات بین‌المللی با حاکمیت کشورها معتقد بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۴۱-۹۴۰).

کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل در گزارش هزاره به مجمع عمومی با یادآوری نبرد میان مدافعان مداخله و حامیان حاکمیت ملی گفت: «چنانچه مداخله بشردوستانه تعرضی غیرقابل پذیرش بر حاکمیت‌هاست، در این صورت در مقابل فجایع رواندا و سربرنیتسا و نقض فاحش و نظام‌مند حقوق بشر که تجاوز به تمام جنبه‌های بشریت به حساب می‌آید، چیست؟» (www.un.org/millennium/sg/report/full.htm) در همین اثنا دولت کانادا با تشکیل کمیسیون مستقل بین‌المللی مداخله و حاکمیت (ICISS)^۱ کوشید به پرسش‌های دبیرکل پاسخ دهد و سرانجام در سال ۲۰۰۱ مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته را با عنوان «مسئولیت حمایت» به دبیرکل تقدیم کرد و با تأکید بر اینکه حاکمیت دولت‌ها را نمی‌توان به نام مداخله کنار گذاشت، بیان داشت که مفهوم حاکمیت را باید بدین نحو تفسیر کرد که: «مسئولیت اولیه حمایت از مردم هر کشور، با خود دولت است». بنابراین، در مواردی که دولتی قادر یا مایل نیست در برابر آسیب‌های جدی، حمایت لازم را از مردم خود به عمل آورد، «اصل عدم مداخله جای خود را به مسئولیت بین‌المللی حمایت می‌دهد». این رویکرد در سال ۲۰۰۴ توسط هیئت عالی‌رتبه منصوب دبیرکل سازمان ملل تأیید شد. این هیئت در گزارش نهایی خود ضمن یادآوری فجایع سومالی، بوسنی و هرزگوین، رواندا، کوزوو و دارفور سودان، اعلام کرد مسئله این نیست که آیا دولتی «حق



مداخله» دارد یا ندارد، بلکه مسئله، «مسئولیت حمایت» همه دولت‌ها است. به عبارت دیگر، هنگامی که افراد در معرض فجایعی همچون قتل‌عام، تجاوز، پاک‌سازی قومی و گرسنگی دادن هستند، همه دولت‌ها مسئولیت دارند از آن افراد حمایت کنند. هیئت مذکور، طیف گسترده‌ای از اقدامات را برای پاسخ جامعه بین‌المللی در نظر گرفته و توسل به زور را به عنوان آخرین چاره پیش‌بینی کرده است. اجلاس جهانی ۲۰۰۵ سازمان ملل نیز بر این امر صحنه گذاشت. دولت‌ها در آن اجلاس اعلام داشتند در مواردی که دولتی قادر یا مایل نیست جمعیت خود را در برابر نسل‌کشی، جرائم جنگی، پاک‌سازی قومی و جرائم علیه بشریت حمایت کند، مسئولیت آن حمایت را می‌پذیرند و بر اساس فصل‌های ششم و هفتم منشور برای تحقق چنین حمایتی اقدام خواهند کرد (جباری و حاضر وظیفه قره‌باغ، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۸).

رابطه میان آب‌ها و جنگ را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف ملاحظه کرد و باید از زوایای مختلف تجزیه و تحلیل نمود. آب ممکن است موضوع مذاکرات بین‌المللی یا علت موجد یک منازعه باشد. به هنگام مخاصمه مسلحانه، آب خود به عاملی برای حفظ حیات یک جمعیت یا به عنوان یک جنگ‌افزار تبدیل می‌شود. جنگ، بدون توجه به عوامل ایجادکننده آن پدیده‌ای مخرب و منفی است. روابط میان آب و جنگ اگرچه بسیار پیچیده به نظر می‌رسد، اما عمده‌تاً از یک دیدگاه به آن نگریسته می‌شود و از این رو است که آب در عین حالی که علتی برای اختلافات و نزاع‌ها به شمار می‌آید و از قربانیان آن به حساب می‌آید. اغلب شنیده‌ایم که جنگ‌های بزرگ بعدی بر سر آب درخواست گرفت، چنانچه پطروس غالی دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد گفته است: «آب‌های نیل علت جنگ بعدی در منطقه ما خواهد بود». در ادبیات رشته روابط بین‌الملل راجع به نقش احتمالی آب‌ها به عنوان نیروی محرک برای جنگ، به ویژه در خاورمیانه بسیار بحث شده است. آب‌ها به عنوان علل احتمالی وقوع جنگ‌ها در آینده در کنار منابع فسیلی اهمیت یافته‌اند. اما شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که آب به ندرت دلیل اصلی مخاصمات مسلحانه بوده است. بسیاری از محققان همچون توماس هومر-دیکسون اشاره کرده‌اند که آب از جمله عوامل دخیل در بروز یک مخاصمه است ولی به ندرت اتفاق می‌افتد که آب، تنها دلیل مخاصمه باشد. دیکسون همچنین به تفاوت میان منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر اشاره می‌کند (Homer-Dixo, 1998:13).



درحالی‌که دشوار می‌توان پذیرفت که جنگ‌ها فقط به دلیل آب صورت گرفته باشند، ولی دسترسی به منابع طبیعی نیز، خود علتی برای اختلاف و درگیری‌ها است. رابطه میان کمبود آب و جنگ، رابطه‌ای پیچیده است. از آنجاکه تعداد رودخانه‌های بین‌المللی بین کشورها زیاد است کمیت و کیفیت بهره‌برداری از آب بدون تردید عاملی برای اختلاف و اغلب موجب تیرگی روابط میان کشورها است. به‌علاوه، آب به‌عنوان سلاحی در مخاصمات به‌کاررفته و تأسیسات آبی اغلب طی جنگ‌ها، هدف قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، این منبع حیاتی می‌تواند باعث تقویت همکاری‌ها نیز بشود. فراوانی معاهداتی که درخصوص مسائل آب منعقدشده است، نشان می‌دهد که به لحاظ تاریخی، آب بیشتر دلیلی برای همکاری بوده تا آنکه علتی برای یک مخاصمه. همان‌طور که دبیرکل سابق سازمان ملل متحد (کوفی عنان) بدان اشاره کرده، آب را می‌توان به‌عنوان تسهیل‌کننده همکاری دانست، یعنی تقاضای فزاینده راجع به بهره‌گیری از آب و منابع آبی، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای را رقم می‌زند و لزوماً به جنگ بر سر آب منجر نخواهد شد.

صرف‌نظر از مسائل مرتبط با حق توسل به‌زور، هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی این موضوع است که آیا حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌تواند حفاظت از منابع آبی طی مخاصمات مسلحانه را تضمین کند و چگونه می‌توان وضعیت و شرایط بهره‌برداری و حمایت و حفاظت از این منبع مهم و طبیعی را بهبود بخشید. تاریخ مملو از مصادیقی است که ثابت می‌کند رودخانه‌ها به‌عنوان یک سلاح جنگی به‌کار رفته‌اند. در قرن شانزدهم و طی مدت هشتاد سال جنگ اسپانیا علیه هلند، هلند برای حفظ شهرهایش در مقابل نظامیان اسپانیایی، اراضی خود را در آب غرق کرد که مورد استفاده قرار گرفت. اخیراً در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، تأسیسات آب پیش‌ازپیش هدف قرار گرفته‌اند.

در مارس ۲۰۰۳، در طی اشغال عراق، نیروگاه‌ها و منابع آبی خسارت فراوانی دیدند. در بصره و بغداد، این حملات سبب محرومیت چندروزه غیرنظامیان از آب آشامیدنی سالم شد. در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی (که اکثر جنگ‌های امروزی را تشکیل می‌دهد) آلودگی رودخانه‌ها، چشمه‌ها و کانال‌های آبیاری و نیز تخریب مراکز تأمین آب، زندگی مردم را به خطر انداخته و سبب مهاجرت آنها از شهری به شهر دیگر یا به خارج از کشورها می‌شود. به‌علاوه، اهمیت آب را در زمان تصرف شهرها نمی‌توان نادیده گرفت؛ چراکه کنترل بر رودخانه‌ها می‌تواند اهرم فشار کشور قاهر تبدیل شده و موجب تقویت

حضور وی در منطقه مزبور علیه قوای مقهور شود. جنگ اسرائیل با حزب الله لبنان، مصداق عینی عدم رعایت قواعد و مقررات زمان مخاصمه است که در آن اسرائیل با هجوم هوایی به نیروگاهی در بیست کیلومتری جنوب بیروت، به بزرگ ترین نشت نفت در قسمت شرق مدیترانه دامن زد که این گسترش نشت نفت، علاوه بر آسیب‌هایی جدی بر محیط‌زیست، نوار ساحلی لبنان و بستر دریا را نیز به شدت آلوده ساخت. در نتیجه این آلودگی، آسیب‌هایی به صنعت جهانگردی و ماهیگیری این منطقه نیز وارد شده و حیات وحش نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که در زمان مخاصمات مسلحانه، آب درحالی که یک سلاح جنگی محسوب می‌شود؛ در همان حال هم هدف و هم قربانی است. بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی، خواه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای حفظ منابع آب در زمان درگیری‌های مسلحانه چهار نوع ممنوعیت در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

- ۱- محدودیت در مورد تخریب و تصرف اموال دشمن؛
- ۲ - محدودیت در مورد استفاده از سم و سلاح‌های سمی و زهرآگین؛
- ۳ - محدودیت تخریب موضوعاتی که با حیات غیرنظامیان سروکار دارند؛
- ۴ - محدودیت در مورد حمله به بخش‌ها و تأسیساتی که حاوی نیروهای خطرناک است، مانند سدها و اسکله‌ها.

علاوه بر این قوانین، مفاد پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ متعلق به کنوانسیون‌های ژنو (۱)، به موضوع حفظ محیط‌زیست و توجه به حمایت رودخانه‌ها را الزامی می‌سازد. حقوق بشردوستانه بین‌المللی که مطابق با ضوابط و قوانین مربوط به رفتار دشمنان و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف این قانون باشد، محافظت می‌کند.

۱. حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حفظ رودخانه‌ها و تأسیسات آبی

برخلاف حقوق مربوط به زمان صلح، اصول محدودی در قواعد ناظر بر جنگ به طور مستقیم به مسائل حفظ آب‌ها پرداخته است. با این حال، دسترسی به آب و حفظ آن در زمان درگیری مشکل‌ساز می‌شود. تحقیقات اندکی درخصوص حمایت از رودخانه‌ها و تأسیسات آن در زمان مخاصمات مسلحانه انجام شده است. قوانین هلسینکی در مورد چگونگی استفاده از آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی توسط انجمن حقوق بین‌المللی در کنفرانس ۱۹۶۶ هلسینکی تأیید و تنظیم شده است. با این وجود تنها ماده بیستم معاهده است که در آن به شکل محدود به مشکلات ناشی از مخاصمه مسلحانه و موضوع



دریانوردی اشاره شده است (International Law Association, 1996: 484). با توجه به ابهاماتی که در حمایت قانونی از آب در زمان مخاصمه وجود دارد، انجمن حقوق بین‌المللی ده سال بعد به‌طور ویژه به این موضوع پرداخته و در پنجاه‌وهفتمین کنفرانس مادرید اسپانیا به سال ۱۹۷۶، قطعنامه‌ای در مورد حفظ رودخانه‌ها و تأسیسات آب‌ها در زمان جنگ تنظیم و تصویب کرد. یک‌سال پس از قطعنامه مصوب کنفرانس مادرید، پروتکل‌های اول و دوم الحاقی متعلق به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، به شکل مصرح قوانینی را به آب اختصاص دادند (۲).

۱-۱. محدودیت در مورد کاربرد سم و سلاح‌های سمی

محدودیت استفاده از سم و سلاح‌های سمی از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حق‌های تضمین‌کننده مرتبط با مسائل رودخانه‌ها و منابع آبی است. در سال ۱۵۸۸/آلبریکوجتیلی (۳) در کتاب «حق قانونی متخاصم»^۱ ادعا کرده که ممنوعیت سمی ساختن آب، هم‌اکنون به یک حق تثبیت شده بین‌المللی تبدیل شده است. ممنوعیت به‌کارگیری سم به دلیل ماهیت غیرآشکار خود بنیان نهاده شده، بنابراین این حق به‌عنوان یک حق عرفی برای کشورها قبل از اینکه در کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تصویب شود، شناخته شده است (۴). اما با پیشرفت فناوری‌های تسلیحاتی مانند سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای، پرسش‌ها و ابهاماتی در مورد تفسیر آنها وجود دارد. استفاده از این‌گونه سلاح‌ها عامل نامناسب بودن آب برای بهره‌برداری بشر شده است. از این جهت، طی کنفرانسی در دهلی‌نو، انجمن حقوق بین‌المللی در سال ۱۹۷۵ پیشنهادی ارائه کرد که قوانین ممنوعیت مسموم‌سازی بسیار محدود است و باید به هر طریقی تمام اقداماتی که منجر به غیرقابل استفاده شدن آب برای مصارف انسانی می‌شود، تعمیم پیدا کند (Bogdanovic, 2000: 234). تعمیم‌سازی مزبور طبق اصل کلی حاکم بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی (تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان) است. از این دیدگاه، کلیه اقداماتی که سبب می‌شود رودخانه‌ها به شکلی نامناسب درآیند و برای مصارف انسانی غیرقابل استفاده شود، غیرقانونی اعلام می‌شود؛ زیرا به‌صورت یکسان بر نیروهای مسلح و هم بر مردم غیرنظامی تأثیر می‌گذارد.

۱-۲. حفظ اموال شخصی و عمومی

آب ممکن است بخشی از اموال عمومی یا شخصی باشد، اما در هر دو حال، حقوق بشردوستانه بین‌المللی از منابع آب حفاظت می‌کند. بند هفتم ماده ۲۳ از مقررات مصوب کنفرانس دوم لاهه در ۱۹۰۷ می‌گوید: «تخریب یا تصرف اموال دشمن ممنوع است، مگر آنکه چنین تخریب و تصرفی به دلیل ضرورت جنگی لازم باشد» (۵). اگرچه این قاعده برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی کاربرد دارد (۶) ولی در وضعیت اشغال یک منطقه، قوانین خاص تری را با هدف تقویت محافظت از اموال عمومی و خصوصی در منطقه اشغال‌شده تدوین شده است. با توجه به اینکه در مدت تصرف و اشغال، اشغالگر برای مدت معینی عملاً قدرت غالب در آن سرزمین خواهد بود، حفظ اموال خصوصی و عمومی اهمیت خاصی پیدا می‌کند. مقررات لاهه شامل اصول قابل قبول تری در رابطه با اموال عمومی در مقایسه با اموال خصوصی است. این مقررات منعکس‌کننده دیدگاه نظام اقتصادی حاکم در زمان تهیه این پیش‌نویس است؛ یعنی در قرن نوزدهم که از یک‌طرف مالکیت خصوصی مقدس شمرده می‌شد و از طرف دیگر دخالت دولت در فعالیت اقتصادی کماکان محدود بود (Cassese, 1992: 421-422).

با طبقه‌بندی منابع آب به‌عنوان اموال خصوصی، هرگونه اقدام اشغالگرانه در رابطه با منابع آب شیرین که در موضوع مفاد ۴۶ و ۵۲ از مندرجات مقررات لاهه قید شده است. طبق بند دوم ماده ۴۶ اموال خصوصی قابل مصادره نیست. به‌علاوه، طبق ماده ۵۲ شرایط سختی برای مصادره اموال خصوصی که به‌طور خاص موضوعیت نظامی ندارند، قرار داده است. نخست اینکه هدف مصادره باید حمایت از نیروهایی باشد که به شکل ملموس در عملیات اشغال حضور داشته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، مصادره اموالی که توسط ساکنین سرزمین مادر (اصلی) مورد استفاده است، ممنوع است. دوم اینکه، اشغالگر باید مطمئن شود که غارت باید از تناسب لازم برخوردار باشد و از عرف معمول تجاوز نکند؛ یعنی اشغالگر نمی‌تواند از قدرت مکتسبه حاصل از غلبه در مخاصمه از این مسئله استفاده کرده تا اقتصاد سرزمین‌های اشغال‌شده را نابود کند و درنهایت دولت اشغالگر برای اقدام خود (غارت) مسئولیت بین‌المللی دارد و باید به جبران خسارت اقدام نماید. مگر آنکه به‌گونه‌ای دیگر طبق ماده ۵۲ تصریح شده باشد. از این‌رو، این قواعد حوزه عمل یک قدرت اشغالگر را به‌شدت محدود می‌کند (۷). اگرچه حق فردی استفاده از آب از طریق چاه‌های واقع شده در ملک شخصی موضوع مفاد ۴۶ و ۵۲ مقررات لاهه است ولی حق اشغالگر در مورد نحوه

استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی، دریاچه‌ها و مناطق آبی علاوه بر ماده ۵۵ مقررات لاهه حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز در رابطه با اموال عمومی حاوی قواعدی است (۸). اگرچه این ماده تأیید می‌کند که اشغالگر می‌تواند از اموال عمومی به صورت انتفاعی استفاده کند، ولی باید اصل سرمایه را حفظ کند، اما روشن نمی‌سازد که برای چه هدفی اشغالگر می‌تواند از این اموال استفاده کند. پرسش این است که آیا اموال عمومی مانند منابع آب نیز مشروط بر آنکه موجب اتلاف (نابودی) آن نشود، با هر هدفی توسط اشغالگر قابل استفاده می‌باشد. مطابق با حقوق بین‌المللی عرفی به شکلی که در ماده ۳۱ از کنوانسیون وین مربوط به حقوق معاهدات مقرر شده: «یک معاهده به حسن نیت و منطبق با معنای معمولی که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد (شبرنگ، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۵).

بنابراین، ماده ۵۵ در زمینه کلی حقوق بین‌المللی در رابطه با اشغال و تصرف باید تجزیه و تحلیل شود. اصل مهمی که اصول و قواعد تصرف و اشغال بر آن متکی است، اینکه اشغالگر هیچ‌گونه حق حاکمیت بر منطقه را به دست نمی‌آورد و فقط به طور بالقوه به اعمال اقتدار می‌پردازد (۹) و در اعمال این اقتدار، اشغالگر باید دو شرط اصلی را رعایت کند که عبارتند از: رفع نیازهای نظامی و احترام به نیازهای مردم غیرنظامی مناطق اشغال شده. اگرچه نیازهای نظامی در برخی موارد در درجه نخست اولویت قرار می‌گیرد، ولی نباید منجر به نادیده گرفتن کامل منافع و نیازهای مردم غیرنظامی شود. به همین دلایل، استفاده از منابع آب توسط اشغالگر کاملاً محدود است و اشغالگر تنها از منابع آب شیرین برای اهداف اشغالگری خود استفاده می‌کند، ولی مجاز نیست که از منابع آب برای مناطق سرزمینی خود استفاده کند و آب را به کشور خود منتقل نماید. به علاوه، منافع ملی ناشی از انتقال آب به مناطق سرزمینی، زمان اشغال را طولانی می‌سازد و با موقتی بودن این وضعیت در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در تضاد است. در این راستا، یادداشت تفاهم حقوقی آمریکا در رابطه با حق ادعاشده توسط رژیم صهیونیستی به منظور توسعه حوضه‌های نفتی جدید در صحرای سینا تأکید می‌کند که: «دسترسی نامحدود به استفاده از منابع، انگیزه و مشوقی برای تداوم اشغال سرزمینی ایجاد می‌کند» (State Department, 1977: 746).

۱-۳. حمایت از موضوعات حیاتی و ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی

ماده ۵۴ از پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو صراحتاً به حفظ مراکز تأمین آب آشامیدنی مربوط می‌شود. طبق مفاد این پروتکل، حمله، تخریب، حذف یا تسلیم اشیای





بی‌مصرف که برای حفظ حیات مردم غیرنظامی ضروری است، مانند آب آشامیدنی و مراکز تأمین آب شرب و مراکز آبیاری برای اهداف خاص، طوری که اهمیت و ارزش آنها برای مردم غیرنظامی یا برای طرف مقابل (دشمن) ارزش حیاتی آن انکار شود، حال به هر انگیزه‌ای از قبیل تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به منظور کشتن آنها یا اجبار آنها به مهاجرت یا با هر انگیزه دیگر، ممنوع است.

اگرچه این قانون را می‌توان تضمین‌کننده حفظ مراکز تأمین آب در مقیاسی وسیع تلقی کرد، ولی این ماده در پاراگراف سوم خود می‌گوید که مصونیت اشیای ضروری در مواردی که فقط برای معیشت نیروهای مسلح یا حمایت مستقیم برای یک عمل نظامی به کار روند، از بین می‌رود. اگرچه برخی مراکز تأمین آب می‌توانند نیاز نیروهای مسلح را تأمین کنند، ولی این ممنوعیت دلیل کافی برای محروم کردن مردم از آب نیست. این دیدگاه و رویکرد با محدودیت‌های مندرج در پاراگراف اول ماده ۵۴ که اشعار می‌دارد: «نیروهای متخصص باید از اقداماتی که ممکن است سبب کاهش مواد غذایی مردم غیرنظامی شود یا آنان را مجبور به مهاجرت کند، امتناع کنند»؛ مطابقت دارد.

۱-۴. حفظ مراکز و تأسیساتی که دارای نیروهای خطرناکند

همان‌طور که در بالا اشاره شد، منابع و تأسیسات آب ممکن است در زمان مخاصمه مسلحانه به یک هدف تبدیل یا به‌عنوان یک سلاح استفاده شود. مسموم‌ساختن آب یک روش قدیمی جنگی بوده است. در جنگ‌های اخیر از سدها (آب‌بند) به‌عنوان اهداف نظامی استفاده شده که تقریباً همیشه نتایج و عواقب فاجعه‌برانگیزی برای محیط‌زیست و انسان‌ها داشته است. با توجه به اثرات بسیار جدی که ممکن است حمله به «تأسیسات و مراکز تأمین آب حاوی نیروهای خطرناک» بر جان و مال جمعیت غیرنظامی داشته باشد، ماده ۵۶ از پروتکل اول الحاقی چنین حملاتی حتی اگر این اهداف، هدفی نظامی باشند را ممنوع ساخته است؛ اما در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و در صورتی که سد یا آب‌بند برای هدفی غیر از هدف اصلی و قاعده‌مند خود به کار رود و پشتیبانی چشمگیر و مستقیم از عملیات نظامی وجود داشته باشد و اگر چنین حمله‌ای تنها راه ممکن برای پایان دادن این حمایت باشد، موارد حمایتی از میان برداشته می‌شود. عبارت به‌کار رفته در ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی بیانگر این است که حمایت اعطایی به عملیات نظامی باید هم‌زمان قاعده‌مند، روشن، معین و مستقیم باشد.



نکته قابل توجه در این زمینه آن است که حمایت صورت گرفته برای حفظ سد و آب‌بندها در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی بسیار بیشتر و شدیدتر است. ماده ۱۵ از پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ شامل مورد استثنا بر اساس ضرورت نظامی نیست. بررسی مفاد مربوط به ممنوعیت استفاده از سم، حفاظت از اموال عمومی و خصوصی و نیز قوانین مربوط به حمایت از موضوعات حیاتی و ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، نشان می‌دهد که حمایت قانونی صورت گرفته برای حفظ آب به‌طور خودکار محقق نمی‌شود. حقوق بشردوستانه بین‌المللی به این شکل از منابع آب حفاظت نمی‌کند و تنها در صورتی آن را حفظ می‌کند که منطبق با موضوعاتش باشد؛ یعنی به‌طور مشخص مقررات جنگ و حمایت از غیرنظامیان را شامل شود. مفاد بررسی شده بالا به‌طور خاص به حفظ آب مربوط نمی‌شود، ولی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر و استفاده قانونمند از آب به‌عنوان یک سلاح که احتمال دارد علیه مردم غیرنظامی به‌کار رود، تدوین شده است. به‌علاوه دیگر قواعد ناظر بر جنگ را می‌توان برای حفاظت آب، نظیر حفظ محیط‌زیست طبیعی به‌کار بست (Remans, 1995: 8).

۲. حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حمایت از محیط‌زیست

استفاده گسترده از روش‌ها و ابزارهای گوناگون از جنگ‌افزار در زمان جنگ ویتنام (نظیر استفاده از عامل نارنجی) و نیز افزایش سطح آگاهی از محیط‌زیست در سطح جهانی که نمونه بارز آن اعلامیه ۱۹۷۲ «استکهلم» است موجب شد کنفرانس دیپلماتیک پیش‌نویس دو پروتکل الحاقی برای کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو که شامل بحث راجع به حفظ محیط‌زیست طی مخاصمات مسلحانه بود را آماده کند (۱۰). در این زمینه، دو ماده در مورد حفاظت از محیط‌زیست در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ گنجانده شد. این مفاد توجه بیشتر به این مسئله را نشان می‌دهد که آسیب‌های وارده به محیط‌زیست بر اثر جنگ می‌تواند جان نسل‌های آینده و سلامتی آنان را به خطر اندازد.

در این ارتباط، باید توجه داشت که هیچ ماده‌ای در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ در ارتباط با مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و موضوع حفظ محیط‌زیست گنجانده نشده است، اما این حمایت در زمان صلح با وضع قوانین زیست‌محیطی که قابلیت اجرا در طول درگیری‌های داخلی را دارد، با اصول کلی حقوق بشردوستانه از جمله اصل تناسب نیز تضمین شده است. هرچند که ماده ۳۵ از پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ باهدف حفظ محیط‌زیست تدوین و تصویب شده است و اشعار می‌دارد: «بهره‌گرفتن از روش‌های جنگی

که ممکن است یا انتظار می‌رود سبب ایجاد خسارات شدید بلندمدت و گسترده در محیط‌زیست شود، ممنوع است». ماده ۵۵ همین پروتکل نیز به حفظ جان مردم غیرنظامی مربوط می‌شود. حدود و ثغور صفت‌های «شدید، بلندمدت و گسترده» که در ماده ۳۵ و ۵۵ به کار رفته است در این پروتکل به روشنی تبیین نشده‌اند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأکید می‌کند که عناصر تشکیل‌دهنده‌ای که یک خسارت را شدید، گسترده و بلندمدت می‌سازد، چیست؟ اینکه چه چیزی به محیط‌زیست آسیب متناهی وارد می‌کند، خود جای بحث و تفسیر دارد (۱۱). تاکنون اقدامات بین‌المللی مرتبط با توصیف و شرح این معیارها بسیار محدود بوده است. در گزارش سال ۲۰۰۰ دادستان دادگاه جنایی بین‌المللی برای دادگاه یوگسلاوی سابق خسارات وارده به محیط‌زیست منبث از بمباران یوگسلاوی سابق، توسط ناتو توسط کارشناس کمیسیون مورد ارزیابی قرار گرفت. این گزارش مشخص می‌کند که خسارات ناشی از بمباران هوایی منطبق با کلیت سه‌جزیی مندرج در ماده ۳۵ یعنی «گسترده‌گی، بلندمدت و شدت» نیست.

اگر یافته‌های واقعی نیروهای فعال که توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل در بالکان مستقر و تشکیل شد، مورد واکاوی قرار گیرد این نتیجه احتمالی غیرقابل‌اجتناب حاصل می‌شود که در واقع مطالعه صورت‌گرفته به این نتیجه منجر شده است که نبرد کوزوو فاجعه زیست‌محیطی در برنداشته که به‌طورکلی بر منطقه بالکان تاثیر گذاشته باشد (www.un.org/icty/pressreal/nato061300.htm#IVA1). در ارزیابی مربوط به خسارات زیست‌محیطی، کمیسیون تنها مفاد ماده‌های ۵۵ و ۳۵ را در نظر نگرفته، بلکه اصل تناسب نیز در نظر گرفته شده و اقدام نظامی را که دارای اثرات منفی فراتر از نتایج نظامی است، (درد و رنج خارج و فراتر از ضرورت نظامی) ممنوع ساخته است. این اصل محکی معمولی برای ارزیابی قابلیت پذیرش خسارات جانبی وارده به وسیله حملات علیه اهداف نظامی ایجاد شده، به حساب می‌آید. رابطه میان حفاظت محیط‌زیست و اصل تناسب به وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. آنجا که می‌گوید: «دولت‌ها به هنگام انجام عملیات نظامی، ملاحظات زیست‌محیطی و همچنین اصل ضرورت و تناسب را باید رعایت کنند» (www.grid.unep.ch/btf/final/finalreport). اصل تناسب باید به‌عنوان راه و وسیله‌ای برای کاهش آستانه معضل مندرج در ماده ۳۵ و ۵۵ در پروتکل اول الحاقی صورت گیرد؛ به‌ویژه اگر ثابت شود که خسارات جانبی زیست‌محیطی در رابطه با

منافع نظامی، بیش‌ازحد معمول بوده و از منافع مدنظر عدول کرده و نیز هنگامی که معیارهای سه‌گانه گستردگی، بلندمدت و شدت را نداشته باشد؛ غیرقانونی تلقی می‌شوند. طبق این تحلیل، حفاظت از محیط‌زیست باید با تمسک به قیودی عمومی و قابل‌قبول، محدودکننده خسارات جانبی و ناخواسته باشد و شروط حمایت از محیط‌زیست را به‌طور خاص تضمین کند. متأسفانه گزارش دادگاه یوگسلاوی سابق به این مهم توجهی ندارد، کمیسیون در تحلیل خود به ماده ۸ از اساسنامه رم که موجب تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی شد، اشاره می‌کند. طبق این ماده، ایراد خسارات زیست‌محیطی یک جنایت جنگی به حساب می‌آید؛ اگر در وهله نخست از آستانه معین توسط شرایط کلی سه‌گانه فراتر برود و دوم اینکه از آنچه طبق اصل تناسب مجاز بوده پا را فراتر نهد. البته این تفسیر تنها در رابطه با تعریف یک جنایت جنگی قابل‌قبول است و برای ارزیابی قوانین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست طی مخصصات مسلحانه، قابل پذیرش نیست (Bothe, 2001:531-532).

کنوانسیون ممنوعیت به‌کارگیری محیط‌زیست توسط نیروهای نظامی و دیگر نیروهای متخاصم به‌عنوان تکنیک تغییر ماهیت منطقه (انمود)^۱ که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در دهم دسامبر ۱۹۷۶ تصویب شد، به‌منظور حفظ محیط‌زیست طی مخصصات مسلحانه است. رابطه بین نخستین پروتکل الحاقی و پیمان انمود موضوع بحث میان محققان بوده است. بین متن‌های این پروتکل و کنوانسیون، تفاوت‌هایی وجود دارد که باید مشخص شود. اگرچه پروتکل الحاقی اول با هدف حفظ محیط‌زیست طبیعی در مقابل هر روش یا شیوه جنگی تنظیم شده است ولی هدف اصلی کنوانسیون انمود که در ماده اول آن آمده، عبارت است از پیشگیری استفاده از فنون و روش‌هایی است که سبب تغییر محیط‌زیست می‌شود (Yenmod, note7: 163)، به‌علاوه کنوانسیون مزبور استفاده از فنون و روش‌های تغییر محیط را هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ که سبب ایجاد خسارات شدید، بلندمدت و گسترده برای کشور دیگر می‌شود را ممنوع می‌سازد. این قاعده نشان می‌دهد که رعایت یکی از سه شرط کافی است تا این ممنوعیت اجرا شود. از طرف دیگر پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در زمان جنگ کاربرد دارد و ماده ۳۵ ممنوعیت کاربرد روش‌ها و شیوه‌های

1. Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques
ENMOD

جنگی که می‌تواند آسیب و خسارات شدید، بلندمدت و گسترده برای محیط‌زیست طبیعی ایجاد کند و یک معیار کلی سه‌جانبه است را بیان می‌کند.

۳. اشاره به دیگر قوانین و هنجارها به منظور حفاظت فراگیر و همه‌جانبه

علاوه بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی که اشاره شد، تعیین یک چارچوب قانونی مناسب و مستقل و خودکار برای حفظ منابع آب در زمان مخاصمات مسلحانه کاری دشوار است و علت آن شرایط متنوعی است که می‌تواند بر آب تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، دلیل دیگر آن نیز شیوه‌های متعدد در مورد نحوه برخورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. آب هنگامی در زمره حقوق بشردوستانه بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد که فقط اهداف اصلی آن، یعنی حفظ جان مردم غیرنظامی و رفتار قانونمند توسط دشمنان رعایت شده باشد. حتی از این جنبه هم تنها ظرفیت آن به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی انسان و یک خطر یا بخشی از محیط‌زیست طبیعی مدنظر بوده و به شکل خودمختار و مستقل در نظر گرفته نشده است. اگرچه حقوق بشردوستانه همیشه بر حفظ جان اشخاص و اموال آنها متمرکز بوده ولی کاربرد و اجرای این قوانین نقش مهمی در حفظ منابع آب در زمان مخاصمات مسلحانه یا در زمان تصرف و اشغالگری داشته است. بدیهی است که نیازمند یک رویکرد جامع برای حفاظت از آب و منابع آب در طول مخاصمات مسلحانه هستیم؛ به‌ویژه قوانین حقوق بشر بین‌المللی می‌تواند محافظت از آب را در زمان مخاصمات مسلحانه تقویت کند.

در این زمینه، نظر کلی و عمومی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ در مورد حق استفاده از آب ارائه شد که مسئولیت و تعهدات دولت‌ها برای جلوگیری و ممانعت از محدودکردن دسترسی به منابع آب یا تخریب تأسیسات زیرساختی آب به‌عنوان یک اقدام تنبیهی در زمان مخاصمات مسلحانه را مشخص کرد (www.unhchr.ch, 2002,e/c.12/2002/11). این بیانیه به همسویی مثال‌زدنی و مشهود قوانین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی آن راجع به پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین فلسطین اشغالی مورد تأیید قرار گرفته است، اشاره می‌کند. همچنین نظر مشورتی دیوان در مورد قانونی بودن تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بیان می‌کند که محیط‌زیست یک مکان انتزاعی و تجریدی نیست، بلکه معرف محیطی برای زندگی انسان‌هاست (بند ۲۹ از رأی





مشورتی). رأی مشورتی مورد اشاره گامی مهم در به رسمیت‌شناختن اهمیت غیرقابل‌انکار و حیاتی محیط‌زیست به حساب می‌آید.

همچنین، با وجود توجه دیوان بین‌المللی دادگستری به این نکته که هدف نظر مشورتی صرفاً بیان این مطلب نبوده که قابلیت اجرای پیمان‌های مربوط به حفظ محیط‌زیست، فقط منحصر به زمان جنگ می‌شوند یا خیر؟ برخی از محققان و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از اصل اهمیت پیوسته و دائمی بودن پیمان‌های مربوط به محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه حمایت کرده‌اند (Chazournes and Sands, 1999: 360) و بر ضرورت تسری این قواعد در زمان مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی آن تأکید دارند. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قانون کاربرد غیرکشتیرانی در رودخانه‌های بین‌المللی در ماده ۲۹ خود تصریح می‌کند که رودخانه‌های بین‌المللی و تأسیسات مربوط به آنها و غیره، باید از حمایت در نظر گرفته شده طبق اصول و قوانین حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی برخوردار شوند و نباید تخلف و تخطی از آن اصول و قواعد صورت پذیرد. طبق این ماده، رابطه میان کنوانسیون رودخانه‌های بین‌المللی غیرقابل کشتیرانی ملل متحد و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به طور کامل مشخص نیست. این امر به هنگام مقایسه آن با بند هفتم از قطعنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حفظ منابع آبی در زمان مخاصمات مسلحانه که به شرح زیر است، ملموس‌تر به نظر می‌آید:

تأثیر وقوع جنگ بر اعتبار پیمان‌های مربوط به استفاده از آب نباید عاملی برای فسخ این پیمان‌ها باشد، بلکه فقط باید تعلیق شود و این تعلیق تنها هنگامی صورت می‌گیرد که هدف از جنگ یا ضرورت نظامی آن را ایجاب کند و لذا حداقل شرایط باید برای معیشت افراد غیرنظامی حفظ و فراهم شود (Report of the ILC, 1976: pxxxiv). کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در تفسیر ماده ۲۹ تصریح می‌کند که در زمان مخاصمه مسلحانه قوانین و اصول قواعد ناظر بر جنگ متعهد به اجرای بدون تغییر آن است، درحالی‌که از طرف دیگر گفته شد که وظیفه دولت‌ها حفاظت از رودخانه‌های بین‌المللی، نحوه بهره‌برداری از آنها و حفظ تأسیسات مربوط به آنها طبق مفاد کنوانسیون رودخانه‌های سازمان ملل متحد است که در زمان مخاصمه مسلحانه نیز نافذ است (Report of the ILC, 1994: 131). تداوم اعتبار کنوانسیون‌های مربوط به رودخانه‌ها و آب‌ها پس از وقوع مخاصمه، در بسیاری از موارد به‌ویژه هنگامی که این پیمان‌ها به تأمین آب آشامیدنی، مسائل



آبیاری و اقداماتی برای کنترل سیل مربوط شده‌اند، از جایگاه حیاتی و فوق‌العاده‌ای در حفاظت رودخانه‌ها و تأسیسات آبی و حتی حفظ سلامتی و حیات مردم غیرنظامی برخوردار می‌شوند.

معاهدات زیست‌محیطی؛ به‌ویژه آنهایی که در رابطه با حفظ منابع طبیعی مشترک (مانند رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و آب‌های زیرزمینی) هستند، بسیار شبیه به کنوانسیون‌های حقوق بشری می‌باشند. ویژگی و مشخصه اصلی کنوانسیون‌های حقوق بشر این است که هدف همه آنها حفظ حسن نیت در منافع جامعه و دولت‌ها به‌طور کلی است و فقط به منافع ملی کشورهای متعاقد توجه نمی‌شود (تعهداتی عام‌الشمول هستند). علت اصلی گنجاندن این ویژگی در پیمان‌های حقوق بشری آن است که دولت‌های طرف معاهده نمی‌توانند این پیمان‌ها را در زمان جنگ به حالت تعلیق درآورند یا آنها را فسخ کنند. بنابراین تا جایی که هدف از مسئولیت‌های تعیین‌شده در معاهدات، مستقیماً حفظ اموال زیست‌محیطی و نه پیشبرد منافع دولت‌های طرف پیمان باشد، تبعیت از این تعهدات به عهده دولت‌های متخاصم خواهد بود. در معاهدات مرتبط با مسائل آب‌ها نظیر کنوانسیون «دانوب»، معاهده «مکونگ» یا منشور «آب‌های سنگال» به‌صراحت اشاره شده که هدف آنها نه منافع ملی کشورهای طرف معاهده، بلکه حفاظت از محیط‌زیست رودخانه‌ها بوده است.

فرجام

در مورد نقش و جایگاه انکارناپذیر آب به‌عنوان نیروی محرک در مخاصمات، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه مطالب بسیاری نوشته شده است و جای تردید نیست که ویژگی‌ها و کیفیت غیرعادی آب به‌عنوان یک منبع، همیشه موضوع اختلاف‌های بین‌المللی بوده است؛ اما حتی در هنگام کمبود آب، دولت‌ها تمهیدات و ترتیبات مؤثر و شایانی را برای تبادل اطلاعات و همکاری برای مدیریت آب و عدم تبدیل این معیار به عنصر موجد مخاصمه فراهم کرده‌اند؛ چرا که در جهان کنونی مسائل بسیار به هم تنیده و وابسته به یکدیگر شده‌اند. در زمان مخاصمه مسلحانه، برخی اوقات آب خود به یک هدف تبدیل می‌شود و حتی از آن به‌عنوان یک جنگ‌افزار استفاده می‌شود. در هر حال تا زمانی که آب یک هدف غیرنظامی باشد و برای تداوم حیات مردم به عاملی ضروری و غیرقابل جایگزین مبدل شود، استفاده از روش جنگی علیه آن یا استفاده از آب به‌عنوان سلاح جنگی طبق اصول و قوانین حقوق بشردوستانه ممنوع است. اصول کلی حقوق بشردوستانه بین‌المللی مانند اصل تناسب و مفاد قواعد ناظر بر جنگ در رابطه با حفظ محیط‌زیست، کمک مؤثری به



شناخت حقوق و مسئولیت‌های کشورهای متخاصم و کشورهای اشغالگر در رابطه با رودخانه‌ها و منابع آبی در نظر گرفته است. اگرچه حقوق بشردوستانه همیشه بر حفظ جان و مال مردم متمرکز شده و بر آن تأکید دارد، ولی اجرای این مقررات نقش مهمی در حفاظت از رودخانه‌ها و دیگر منابع آبی در زمان مخاصمه مسلحانه و اشغالگری ایفا می‌کند.

مقررات بشردوستانه که از محیط‌زیست در جنگ‌ها حمایت می‌کند در کنوانسیون‌های بین‌المللی به دو شیوه عام و خاص وجود دارد. قواعد عام، اصول و مقرراتی است که می‌توان از آنها به نفع حمایت از محیط‌زیست چه در دوران صلح و چه در دوران جنگ استفاده کرد. قواعد خاص، قوانینی است که در دوران جنگ شکل گرفته و جنبه زیست‌محیطی آن بیشتر مورد توجه است. امروزه مقررات بشردوستانه ناظر به حمایت از محیط‌زیست، شیوه عرف بین‌المللی را به خود گرفته و برای همه کشورها حتی برای کشورهایی که خود را متعهد در برابر آن نمی‌دانند، رعایت آن خواسته می‌شود. البته این قوانین در صورتی می‌توانند مانع تخریب محیط‌زیست در دوران جنگ باشند که جامعه جهانی روی پنج نکته تکیه داشته باشد:

- ۱- تلاش برای لازم‌الاجرا کردن کنوانسیون‌هایی که حفاظت از محیط‌زیست را مورد توجه قرار داده است؛
- ۲- تلاش برای بهینه‌سازی رعایت و اعمال مقررات مربوط به حمایت از محیط‌زیست در دوران جنگ؛
- ۳- نظارت بر کارایی این گونه قوانین و روشن کردن وضعیت نقض‌کنندگان قواعد و مقررات و اقدام عملی و مناسب در برابر مناقضان این گونه قوانین؛
- ۴- در برخورد با کشورهای ناقض قوانین و مقررات مربوط به حفاظت محیط‌زیست، هیچ‌گونه تسامح و اغماض اعمال نشود و به تناسب ارتکاب جرم، نقض قواعد و سرپیچی از مقررات جهانی، مجازات شوند؛
- ۵- تدابیری در سطح جهانی سنجیده شود که زمینه بروز جنگ‌ها اندک شود.

اگر موارد پنج‌گانه در اثر تسامح و تساهل نادیده گرفته شود، قواعد عام یا خاص بین‌المللی نمی‌تواند پاسدار محیط‌زیست باشد. چنان‌که امروز کشورهای پیشرفته عملاً در تقابل و رویارویی زیست‌محیطی قرار گرفته و با تولید سلاح‌های کشتار جمعی و رقابت شدید نظامی و بحران‌سازی در جهان، محیط‌زیست را با خطر مواجه کرده‌اند. در نتیجه،

مرور برخی مسائل مربوط به آب و مخاصمات، مسائل مهمی را روشن ساخته است که در حال حاضر مطرح هستند. اگرچه نمی‌توان منکر این قضیه شد که قوانینی هرچند محدود برای حفظ آب و وظایف متعدد مربوط به آن در زمان مخاصمه مسلحانه وجود دارد، ولی استفاده از دیگر قوانین مانند حقوق بشر و حقوق مربوط به رودخانه‌های بین‌المللی نیز در تقویت حفاظت از آب‌ها می‌تواند سهم مؤثری داشته باشد.





پی‌نوشت‌ها:

- (۱) پروتکل الحاقی اول در آگوست ۱۹۴۹ در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات بین‌المللی تدوین شده است.
- (۲) مواد ۵۴ و ۵۶ پروتکل الحاقی اول و مواد ۱۴ و ۱۵ پروتکل دوم به این مورد پرداخته است.
- (۳) Alberico Gentili حقوق‌دان ایتالیایی متوفای ۱۶۰۸ استاد حقوق مدنی و جزء نخستین نویسندگان کتاب در موضوع حقوق بین‌الملل عمومی بوده است.
- (۴) ماده ۱۶ کد لیبرمن و همچنین ماده ۸ اساسنامه رم بر این امر تأکید کرده‌اند.
- (۵) بند دوم ماده ۶ منشور دادگاه نظامی نورنبرگ و همچنین ماده ۳۳ (ممنوعیت غارت) کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ به این مورد نیز پرداخته‌اند.
- (۶) در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی ماده ۳ پروتکل الحاقی دوم به موضوع ممنوعیت غارت نیز پرداخته است.
- (۷) ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو به موضوع پرداخته است.
- (۸) همچنین بنگرید به: ماده ۵۳ مقررات کنفرانس لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو.
- (۹) همچنین بنگرید به: ماده ۴۲ مقررات کنفرانس لاهه.
- (۱۰) اصل ۲۶ اعلامیه استکهلم و همچنین کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه، بر اصل حفاظت از محیط‌زیست در جنگ تأکید کرده است (اصل ۲۴ اعلامیه ریو، کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه، ریو دو ژانیرو ۱۹۹۲).
- (۱۱) موضوع حمایت از محیط‌زیست طبیعی به هنگام مخاصمه مسلحانه توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کنفرانس ریو به سال ۱۹۹۲ مطرح شده است.

منابع

الف - فارسی

- جباری، منصور و جلیل حاضر وظیفه قره‌باغ (بهار ۱۳۹۰)، «ارزیابی دکترین مسئولیت حمایت در بحران دارفور»، *راهبرد*، سال بیستم، شماره ۵۸.
- سلطان‌زاده، سجاد (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی حقوقی استناد روسیه به دکترین مسئولیت حمایت در گرجستان»، *سیاست خارجی*، سال بیست‌وسوم، شماره ۴.
- شبرنگ، محمد (۱۳۸۹)، *منشور سازمان ملل متحد*، تهران: دانشور.
- فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب‌سرخ و هلال‌احمر (۱۳۵۹)، *قراردادهای چهارگانه - ژنو*، تهران: جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، ادارات بین‌المللی و حقوقی.

- Bothe, M. (2001), "The Protection of the Civilian Population and NATO Bombing on Yugoslavia: Comments on a Report to the Prosecutor of the ICTY", *European Journal of International Law*, Vol.12, No.3, 531-536.
- Cassese, A. (1992), "Powers and Duties of an Occupant in relation to Land and natural Resources", *International Law and the Administration of Occupied Territories* Oxford: Clarendon Press.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (2003), *General Comment No.15 the Right to Water*, E/C.12/2002/11, Text available at: www.unhchr.ch.
- Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques*, (note7).
- Homer-Dixon, T (1999), "The myth of global water wars", *Forum: Water and War*, *International Committee of the Red Cross (ICRC)*, Geneva.
- International Law Association (2001), *International law of water resources: contribution of the International Law Association (1954-2000)*, Vol.4, S.Bogdanović (Ed.), Martinus Nijhoff Publishers.
- International Law Association (1967), *Report of the Fifty-second Conference held at Helsinki* (14 August to 20 August 1966).
- International Law Association (1978), *Resolution in: Report of the Fifty-Seventh Conference held at Madrid*.
- International Law Commission (1994), *Report of the ILC to the General Assembly on the Work of its Forty-Sixth Session*, Vol.II, Part II.
- Remans, W (1995), "Water and War", *Humanitäres Völkerrecht, formations, chriften*, No.1.
- Sands, Ph (1999), *The International law the International Court of Justice and Nuclear Weapons*, Cambridge: Cambridge University Press.
- United States, State Department (1977), "Memorandum of Law on Israel's Right to Develop New Oil Fields in Sinai and the Gulf of Suez", *International Legal Materials*, Vol.16, No.3:733-753.
- <http://www.grid.unep.ch/btf/final/finalreport.pdf>.
- <http://www.un.org/icty/pressreal/nato061300.htm#IVA1>.
- www.un.org/millennium/sg/report/full.htm.